



نگاه ماه:

# Tran Ahn Hung

## تران آن هونگ هفت سال بعد

هفت سال گذشته از موقعی که برای اولین بار در ماهنامه فیلم به تران آن هونگ، کارگردان ویتنامی تحصیل کرده در فرانسه، پرداختم. در این فاصله او هیچ فیلم دیگری نساخته. دو فیلم دیگرش - سایکلو و شماع عمودی آفتاب (یا در اوج تابستان) - را همان موقع ساخته بود، هرچند ما ندیده بودیم. دو سه سال بعد محمد وحدانی عزیز سفری کرد به اروپا و برایم سایکلو را آورد. یک ربع اولش را دیدم و یک سال و نیم دیگر سراغش نرفتم. حس می‌کردم مطابق انتظارم نیست. بعدتر که فیلم را تا آخر دیدم، از این که به کارگردان محبوبم اعتماد نکرده بودم شرمند شدم. در همان ایام فیلم سوم هم رسید، که معجزه بود.

تران آن هونگ به معجزه می‌ماند؛ حتی اگر هیچ‌کس او را در کنار وونگ کاروای و هو شیائو شین قرار ندهد؛ حتی اگر طی هفت سال نتوانسته باشد تهیه‌کننده‌ای پیدا کند؛ و حتی اگر خیلی‌ها فیلم دومش سایکلو را دوست نداشته باشند.

او بی‌شک برای من بهترین کارگردان جهان است (برتر از فون تری‌یه، ایناریتو و حتی جارموش)، دست‌کم به لحاظ به‌کارگیری رنگ و توجه به کمپوزیسیون تصویر. کافی‌ست به‌طور تصادفی هر کدام از فریم‌های فیلم‌هایش را انتخاب کنید. او از این نظر فراتر از هر کارگردان معاصر دیگری‌ست، چیزی‌ست در حد کوروساوا، ازو، و تارکوفسکی.

دو سال است می‌خواهم درباره‌اش بنویسم، و نمی‌شود. حالا هم عملاً نشده. تصویرهایش را نگاه می‌کنم و قلمم از حرکت باز می‌ایستد. در مقابل این شکوه نمی‌دانم چه می‌توان گفت.

چند شماره‌ای صبر کرده‌ایم تا این پرونده را موقعی چاپ کنیم که صفحه رنگی داشته باشیم، چرا که همچون فیلم‌های اخیر ژانگ یی‌مو، و وونگ کاروای (چه می‌گویم، بسیار فراتر از آن‌ها)، تصاویر او به رنگ وابسته است.

خبر هیجان‌انگیز این که گویا تران آن هونگ در تدارک ساخت فیلمی جدید است. می‌توان مشتاقانه منتظر بود. شاید این بار به شهرت و اعتباری که لایق‌اش است دست یابد.